



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 2
Autumn & Winter
2025-2026

The Role of Wrongdoer's Intent in the Rules of International Jurisdiction in Defamation Claims with a Study of Iranian and United States Law

Sayyed Hussein Safaei Moafi 

Corresponding Author; Ph.D. in Private Law, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, university of Guilan, Rasht, Iran. Email: hsafaei@phd.guilan.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Sometimes, a person's reputation is harmed by someone in another country, and when the victim files a lawsuit, an international claim arises that requires the determination of jurisdiction. Considering that defamation is an intentional tort, applying a jurisdictional rule that focuses on the defendant's intent and its effects in a specific place seems beneficial. However, how can such a jurisdictional rule be applied effectively? Has this jurisdictional rule been recognized in Iranian and U.S. law? Using a descriptive-analytical method and library resources, this research examines the approaches of these legal systems and evaluates the application of a jurisdictional rule based on the defendant's intent and its effects. The findings of this research indicate that U.S. law has established a jurisdictional rule whereby the court has jurisdiction over a defamation claim if the focal point of the harm to the victim's reputation and the defendant's intentional harmful act is within its territory. However, Iranian law has not recognized such a rule. The analysis reveals that while applying this rule could promote fairness between the parties, its high degree of flexibility may lead to inconsistencies in judicial approaches when exercising jurisdiction.
Received: 2025/02/22	
Received in revised form: 2025/08/25	
Accepted: 2025/09/01	
Published online: 2025/12/22	Safaei Moafi, Sayyed Hussein (2025). The Role of Wrongdoer's Intent in the Rules of International Jurisdiction in Defamation Claims with a Study of Iranian and United States Law. <i>Comparative Law Review</i> , 16 (2), 549-569. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.389771.634718
Keywords: <i>defamation, intentional tort, Iran, jurisdiction, Untied states of America.</i>	
How To Cite	
DOI	10.22059/jcl.2025.389771.634718
Publisher	The University of Tehran Press. 



کاربرد نیت زیان‌زننده در قواعد صلاحیت بین‌المللی در دعاوی افترا با مطالعه حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا

سید حسین صفایی معافی ✉

نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته دکتری رشته حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
رایانامه: hsafaei@phd.guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ کلیدواژه‌ها: افترا، ایالات متحده آمریکا، ایران، خطای عمدی، صلاحیت.	گاهی حیثیت اشخاص از سوی کسی هتک می‌شود که در کشور دیگری حضور دارد و با اقامه دعوا از جانب زیان‌دیده، دعوایی بین‌المللی پدید می‌آید که نیازمند تعیین صلاحیت است. با توجه به عمدی بودن افترا، به‌کارگیری قاعده صلاحیتی که بر نیت زیان‌زننده و آثار آن در محل خاصی توجه داشته باشد، سودمند به‌نظر می‌آید. اما چنین قاعده صلاحیتی چگونه می‌تواند به‌طور مطلوبی به‌کار گرفته شود؟ آیا در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا به ضابطه یادشده توجه شده است؟ نگارنده این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای تلاش دارد تا ضمن مطالعه رویکرد نظام‌های حقوقی یادشده، به‌کارگیری قاعده صلاحیت مبتنی بر نیت زیان‌زننده و آثار آن را ارزیابی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، حقوق ایالات متحده آمریکا قاعده صلاحیتی را مقرر کرده است و مطابق آن، دادگاه محلی صلاحیت رسیدگی به دعوای افترا را دارد که نقطه کانونی لطمه واردا آمده به حیثیت زیان‌دیده و رفتار زیان‌بار عمدی زیان‌زننده است. اما در حقوق ایران، چنین ضابطه‌ای مورد توجه قانون‌گذاران قرار نگرفته است. تحلیل یافته‌های این پژوهش آشکار می‌سازد، به‌کارگیری ضابطه یادشده می‌تواند عدالت را میان طرفین برقرار سازد، اما انعطاف‌پذیری زیاد آن سبب چندگانگی رویکرد دادگاه‌ها در اعمال صلاحیت خواهد شد.
استناد	صفایی معافی، سید حسین (۱۴۰۴). کاربرد نیت زیان‌زننده در قواعد صلاحیت بین‌المللی در دعاوی افترا با مطالعه حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۶ (۲)، ۵۴۹-۵۶۹. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.389771.634718
DOI	10.22059/jcl.2025.389771.634718
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

خطای عمدی^۱ به رفتارهای زیان‌باری اطلاق می‌شود که اشخاص با نیت خاص یا عام مرتکب آن می‌شوند (Garner, 2009: 1626). ایراد خسارت و لطمه به اعتبار، آبرو و حیثیت اشخاص یکی از رفتارهای زیان‌باری است که می‌تواند به‌طور عامدانه و با قصد قبلی زیان‌زننده ارتکاب یابد؛ به‌گونه‌ای که زیان‌زننده قصد انتشار یا انتقال گفته‌های افتراءآمیز خویش را به دیگران در خصوص شخصی معینی دارد. امروزه که رسانه‌های ارتباطی پیشرفت چشمگیری دارند، به‌راحتی قابل تصور است که شخصی از کشوری، حیثیت شخص دیگری را در کشوری دیگر به‌وسیله گفتار یا نوشتار خود خدشه‌دار کند و اعتبار و جایگاه اجتماعی او را نزد اشخاص جامعه کاهش دهد. در این صورت، همواره این امکان وجود دارد که آثار رفتار زیان‌بار، یعنی وقوع هتک حیثیت، در چندین کشور رخ دهد؛ چراکه با پیشرفت رسانه‌های ارتباطی، نظیر فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، محتوای افتراءآمیز در دسترس همه مردم دنیا قرار خواهد گرفت و مردمان کشورهای بی‌شماری آن را خواهند دید. لیکن نباید نادیده انگاشت که آثار رفتار زیان‌بار، یعنی هتک حیثیت و اعتبار اشخاص، در همه کشورهای یکسان نیست و هر محلی با توجه به حقایق موجود پیرامون هر پرونده، ممکن است به میزان متفاوت نسبت به دیگر مناطق از آن رفتار زیان‌بار تأثیر پذیرد. برای نمونه، اگر محتوای افتراءآمیز به زبان فارسی باشد، حیثیت زیان‌دیده در کشورهای فارسی‌زبان بیش از دیگر کشورها آسیب خواهد دید.

حال اگر تمام کشورهایی که از افتراء متأثر شده‌اند، بر مبنای همان میزان از تأثیر، نسبت به دعوا اعمال صلاحیت کنند، صلاحیت‌های مضاعف پدید خواهد آمد و این امکان وجود دارد که دادگاه کشوری به دعوا رسیدگی نماید که تأثیر کمی از آن رفتار زیان‌بار دیده است. همچنین، وجود چندین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوا، این امکان را به خواهان می‌دهد تا در کشوری دعوی خویش را مطرح کند که حقوق آن کشور نتیجه دلخواهی را برای وی فراهم می‌آورد.

از این رو، به‌نظر می‌رسد، قاعده صلاحیت بین‌المللی در خصوص رفتارهای زیان‌بار عمدی، نظیر افتراء، که توجه کافی به قصد و نیت زیان‌زننده و آثار آن داشته باشد، می‌تواند مناسب‌ترین و مرتبط‌ترین دادگاه را برای رسیدگی به دعوا برگزیند؛ زیرا این نیت و قصد زیان‌زننده بوده که رفتار زیان‌بار و آثار ناشی از آن را ایجاد کرده است و با کنکاش نیت و قصد زیان‌زننده می‌توان دریافت که کدام مکان و مردمان کدام کشور بیشترین تأثیر را از رفتار زیان‌بار وی پذیرفته‌اند و محتوای افتراءآمیز کدام محل را مخاطب اصلی خویش قرار داده‌اند.

با وجود این، آنچه که در تعیین دادگاه صالح ممکن است که از سوی قانون‌گذاران فراموش شود،

1. Intentional tort.

نقش قصد و نیت شخص زیان‌زننده است. برای نمونه، قاعده صلاحیتی که بر مبنای محل وقوع خسارت، دادگاه صالح را برمی‌گزیند، همه توجه خویش را بر حیثیت زیان‌دیده و مخاطبان محتوای افتراآمیز قرار می‌دهد و از خود رفتار زیان‌بار زیان‌زننده و نیت او که نقش اساسی در ایجاد خسارت و تحمیل مسئولیت مدنی یا کیفری دارد، چشم‌پوشی می‌کند.

بدیهی است، در صورتی که قاعده صلاحیت مبتنی بر نیت زیان‌زننده بتواند شرایط مطلوبی را به‌وجود آورد، قانون‌گذاران می‌توانند با بهره‌گیری از آن در نظام‌های حقوقی خویش از ایجاد چالش‌های ناشی از تعیین صلاحیت در دعاوی افترا جلوگیری کنند. وجود قاعده صلاحیت بین‌المللی مطلوب در دعاوی افترا سبب خواهد شد تا دادگاهی که ارتباطی با دعوا ندارد یا دارای ارتباط کمی با آن است، از رسیدگی خودداری نماید.

این پژوهش در نظر دارد تا با بررسی و مطالعه قواعد صلاحیت بین‌المللی موجود در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا، نقش نیت زیان‌زننده برای تعیین دادگاه صالح را در دعاوی افترا آشکار سازد، رویکرد این نظام‌های حقوقی را ارزیابی نماید و شیوه مناسبی را برای به‌کارگیری قاعده صلاحیت مبتنی بر نیت زیان‌زننده پیشنهاد دهد. بر این اساس، پژوهش پیش رو در پی پاسخگویی به این پرسش است که در حقوق ایالات متحده آمریکا و ایران، نیت زیان‌زننده به انتشار محتوای افتراآمیز چگونه می‌تواند در دعاوی افترا، مبنای اعمال صلاحیت قرار گیرد؟ چگونه می‌توان نیت زیان‌زننده را به شکل مطلوبی برای تعیین صلاحیت در دعاوی افترا به‌کار گرفت؟

در حقوق ایران، پژوهش‌هایی در زمینه قواعد صلاحیت بین‌المللی و تعارض قوانین در دعاوی افترا انجام گرفته است و نویسندگان ضمن مطالعه موضوع یادشده، سعی بر ارائه راه‌حل مناسبی برای برون‌رفت از چالش‌های موجود در قواعد صلاحیت و تعارض قوانین اینگونه دعاوی داشته‌اند (Safaei Moafi et al., 2023: 859-882; Safaei Moafi et al. (a), 2024: 55-69; Safaei Moafi, et al. (b), 2024: 141-160; Safaei Moafi et al. (c), 2024: 81-107). همچنین، در حقوق ایالات متحده آمریکا نیز پژوهشگران قواعد صلاحیت قابل اعمال نسبت به دعاوی افترا در کشور خود را بررسی کرده و به نقد کشیده‌اند (Yost, 2020: 693-724; Yelmini, 2023: 1-28; Conley, 2024: 405-). اما مطالعه تطبیقی بین قواعد صلاحیت ایران و ایالات متحده آمریکا در خصوص دعاوی افترا با تمرکز بر نقش نیت زیان‌زننده در تعیین صلاحیت، تاکنون صورت نگرفته است که همین مهم نوآوری و وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین تلقی می‌شود.

در این پژوهش، مبحث نخست، مفهوم و ماهیت افترا را بررسی می‌کند تا جایگاه دعاوی افترا در قلمرو آیین دادرسی آشکار گردد. در مبحث دوم، قواعد صلاحیت موجود در حقوق ایالات متحده آمریکا مطالعه

می‌شود و در مبحث سوم، قواعد صلاحیت بین‌المللی ایرانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا جایگاه نیت زیان‌زننده و تأثیر آن در یک محل خاص برای اعمال صلاحیت دادگاه‌های این نظام‌های حقوقی مشخص شود. مبحث چهارم نیز به ارزیابی و نقد به‌کارگیری قاعده صلاحیت بین‌المللی مبتنی بر تأثیر محلی رفتار زیان‌بار در دعوی افترا می‌پردازد تا چالش‌ها و مزایای اعمال چنین قاعده صلاحیتی را روشن سازد.

۲. مفهوم افترا

در حقوق ایالات متحده آمریکا، افترا^۱ رفتاری است که از طریق ابراز گفته‌های نادرست به شخص ثالث، به حیثیت دیگری آسیب می‌زند (Garner, 2009: 481) و یا به عبارت ساده‌تر، نوشتار یا گفتاری است که به قصد بدنام کردن دیگری انجام شده باشد (Ballentine, 1923: 119). همچنین، با تکیه بر عنصر «انتشار»^۲، افترا را می‌توان انتشار هر چیز آسیب‌زا به خوش‌نامی یا اعتبار دیگری یا هر چیزی که به سوء شهرت دیگری منجر می‌شود، دانست (Anderson, 1969: 321; Gifis, 2011: 142). بر این اساس، کاهش اعتبار اشخاص رکن اساسی افتراست که از گفته‌های دروغین زیان‌زننده به‌وجود می‌آید و اگر آن گفته‌ها در حیثیت شخص زیان‌دیده تأثیر منفی نداشته باشد، رفتار ارتكابی مصداق افترا نخواهد بود.

با توجه به تعریف‌های یادشده، افترا ممکن است در شمار خطاهای عمدی قرار گیرد؛ چنان‌که در دعوی گرتز برابر شرکت رابرت ولش^۳، دیوان عالی ایالات متحده آمریکا^۴، افترا را به دلیل آنکه گفته‌های افتراآمیز درباره خواهان نادرست بوده یا بدون اعتنا به صحت آن اظهار شده و حیثیت زیان‌دیده را به‌طور مستقیم صدمه زده است، رفتار زیان‌بار عمدی دانست^۵.

گفتنی است، در حقوق ایالات متحده آمریکا، افترا به‌خودی خود، مبنایی برای اقامه دعوا نیست (Gifis, 2011: 142)، بلکه دو عنوان «افترای پایدار»^۶ به صورت نوشتاری یا دیداری، و «افترای ناپایدار»^۷ به صورت شفاهی یا شنیداری، این‌گونه دعوی را شکل می‌دهند (Jasper, 1996: 9-15) و زیان‌دیده می‌تواند بر این مبنای زیان‌زننده را طرف دعوی خویش قرار دهد.

برخلاف حقوق ایالات متحده آمریکا، مفهوم یادشده از افترا یا هتک حیثیت در قانون مدنی یا مسئولیت مدنی ایران فاقد مفهومی صریح و حقیقت قانونی است (Babaei and Azadbakh, 2024: 366) و حتی تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، افترا یا هتک حیثیت را مصداقی از

1. Defamation.

2. Publication.

3. Gertz v. Robert Welch, Inc., 418 U.S. 323 (1974).

4. U.S. Supreme Court.

5. <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/418/323/>, last visited: 25/1/2025.

6. Libel.

7. Slander.

زیان معنوی تلقی کرده است. لیکن با تکیه بر مواد ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران، افترا یا هتک- حیثیت را می‌توان به تصدیق یا انتشار امری مخالف واقع که به حیثیت، اعتبار و موقعیت اجتماعی دیگری زیان وارد می‌آورد، تعریف نمود (Safaei Moafi et al. (a), 2024: 55). بر این مبنا، زیان دیده می‌تواند جبران خسارات واردآمده به حیثیت خویش را از زیان‌زننده بخواهد.

افزون بر این، در حقوق جزای ایران، افترا به معنای یادشده دارای مفهومی اعم از مفهوم افترا در قانون مجازات اسلامی، توهین (Jafari Langroodi, 2023: 794) و نشر اکاذیب است (Babaei and Azadbakh, 2024: 366). این امر با نگاهی به تعریف جرم‌های یادشده در قانون مجازات اسلامی قابل برداشت است.

چنان‌که مستفاد از ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، افترا را می‌توان عبارت از «انتساب یا انتشار صریح ارتکاب جرم به دیگری» دانست. درحالی که افترا به مفهوم یادشده در این پژوهش هرگونه انتشار گفته دروغ، چه جرم باشد و چه نباشد، شامل می‌شود. همچنین، بر اساس مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی، توهین، به هرگونه رفتاری اطلاق می‌شود که به شکلی موجب وهن و کاهش حیثیت دیگری در نظر افراد متعارف جامعه شود (Mirmohammad Sadeghi, 2014: 479) و برای تحقق این جرم، علنی بودن ضروری نیست (Mirmohammad Sadeghi, 2014: 490). ولی در مفهوم افترای مدنظر پژوهش، انتشار محتوای افتراآمیز لازم است. از این گذشته، در جرم توهین، رفتار ارتكابی باید بی‌ادبانه باشد (Mirmohammad Sadeghi, 2014: 490)، اما بی‌ادبانه بودن محتوای افتراآمیز شرط تحقق افترا نیست.

نشر اکاذیب نیز به موجب ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، عبارت است از بیان گفته دروغ یا انتساب آن به دیگری، به قصد اضرار و تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی. ولی از آنجا که در مفهوم افترای یادشده در این پژوهش باید از اعتبار و حیثیت زیان دیده کاسته شود و صرف انتشار مطالب دروغ سبب افترا نمی‌شود، این دو مفهوم نمی‌توانند برابر یکدیگر تلقی شوند.

گفتنی است، در رکن روانی جرایم یادشده، سوءنیت خاص شرط نیست یا مفروض است و در این جرایم آگاهی به وهن‌آمیز یا دروغ بودن رفتار یا گفتار برای تحقق آنها کافی خواهد بود (Gholamloo & Daryaei, 2022: 208). همین نکته نشان می‌دهد، نیت و قصد زیان‌زننده به انتساب گفتار یا رفتار نادرست به دیگری نقش اساسی در ارتکاب این جرایم دارد.

از این رو، افترا به مفهوم حقوق ایالات متحده آمریکا و مواد ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران، مفهوم هر سه جرم افترا، توهین و نشر اکاذیب را دربر می‌گیرد. بنابراین، می‌توان گفت که افترا در حقوق ایران، هم جنبه کیفری دارد و هم جنبه مدنی که به زیان‌دیدگان این امکان را می‌دهد تا هم مطابق قواعد کیفری اقامه دعوا کنند و هم بر مبنای مسئولیت مدنی زیان‌زننده، جبران خسارت خویش را

بخواهند. افزون بر این، قانون‌گذاران ایرانی به‌موجب ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، امکان جبران ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم را نیز از سوی دادگاه کیفری پیش‌بینی نموده‌اند.

۳. حقوق ایالات متحده آمریکا

بررسی رویه قضایی ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که نیت زیان‌زننده و اثر آن بر زیان‌دیده در مکانی خاص، نقش اساسی در تعیین صلاحیت دادگاه‌ها داشته است. در این راستا، می‌توان قاعده صلاحیت موسوم به «معیار تأثیر»^۱ را نام برد که بسیاری از دادگاه‌های این کشور آن را به‌کار گرفته‌اند.^۲ از آنجا که قاعده یادشده از سوی دادگاه عالی^۳ در *دعوی کالدر در برابر جونز*^۴ ایجاد شده است، در مبحث پیش رو، نخست، رأی یادشده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، سپس رویکرد دیگر دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا پس از رأی کالدر ملاحظه خواهد شد. در بخش سوم، با توجه به اهمیت دعاوی مرتبط با افترای ارتکاب‌یافته در فضای مجازی، آرای مرتبط با آن ارزیابی می‌شود و در پایان، ضابطه صلاحیت *دعوی کالدر* مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

۳.۱. رأی دیوان عالی در *دعوی کالدر*

در *دعوی کالدر*، خوانده^۵ بازیگری حرفه‌ای و مقیم کالیفرنیا، و خواهان، ایان کالدر^۶، رئیس و سردبیر شرکتی تجاری در فلوریدا به نام «نشنال انکوایرر»^۷ بوده است. این شرکت روزنامه ملی را با تیراژ بیش از پنج میلیون چاپ می‌کرد و از این تعداد ۶۰۰ هزار نسخه، یعنی حدود یک هشتم آن، در ایالت کالیفرنیا فروخته می‌شد که در یکی از شماره‌های آن مطالب افتراآمیزی در خصوص کالدر به نگارش درآمد.^۸ بر این اساس، وی در ایالت کالیفرنیا برای جبران خسارات وارداآمده بر حیثیت و خوش‌نامی خویش اقامه دعوا نمود.^۹

1. Effects test.

2. *Calder v. Jones*, 465 U.S. 783 (1984); *Mavrix Photo, Inc. v. Brand Technologies, Inc.*, 647 F.3d 1218 (9th Cir. 2011); *Blakey v. Continental Airlines, Inc.*, 164 N.J. 38, 751 A.2d 538 (2000); *Tamburo v. Dworkin*, 601 F.3d 693, 703 (7th Cir. 2010); *Bancroft & Masters, Inc. v. Augusta Nat'l Inc.*, 223 F.3d 1082, 1087 (9th Cir. 2000); *Capital Promotions, L.L.C. v. Don King Prods., Inc.*, 756 N.W.2d 828, 837 (Iowa 2008).

3. Supreme Court.

4. *Calder v. Jones*, 465 U.S. 783 (1984).

5. Shirley Jones.

6. Iain Calder

7. National Enquirer.

8. *Calder v. Jones*, 465 U.S. 783 (1984) at 789 and 790. Available at: <https://law.justia.com/cases/california/court-of-appeal/3d/138/128.html>, last visited: 27/02/2024.

9. <https://www.oyez.org/cases/1983/82-1401>, last visited: 27/02/2024.

دیوان عالی ایالات متحده آمریکا به صلاحیت ایالت کالیفرنیا باور داشت و سه شرط اساسی را برای اعمال صلاحیت ضروری تلقی کرد^۱: نخست آنکه خواننده مرتکب «رفتار زیان‌بار عمدی»^۲ شده باشد؛ دوم، خواهان «لطمه»^۳ ناشی از آسیب را در محل دادگاه متحمل شده باشد، به‌حدی که بتوان گفت «نقطه کانونی»^۴ آسیب محل دادگاه است؛ سوم آنکه خواننده به‌وضوح قصد بروز نتیجه فعل زیان‌بار خویش را در محل دادگاه مدنظر قرار داده باشد، به‌طوری که بتوان گفت، محل آن دادگاه، «نقطه کانونی» عمل زیان‌بار بوده است (Ludington, 2012: 544). ضرورت وجود این سه شرط برای اعمال صلاحیت در آرای پس از کالدر نیز تصریح شده است.^۵ بر این اساس، هم قصد و نیت زیان‌زننده و هم محل آسیب زیان‌دیده که از آثار رفتار زیان‌بار است، در ایجاد صلاحیت نقش خواهد داشت.

دیوان عالی تمایز آشکاری را بین «بی‌احتیاطی ساده بدون هدف»^۶ و رفتارهای عمدی هدفمند شناسایی کرده است (Singleton, 2008: 924; Erbsen, 2015: 395) که نقش بااهمیت قصد زیان‌زننده را در تعیین صلاحیت دادگاه برای دعاوی افترا نمایان می‌سازد؛ چنان‌که دیوان عالی ابراز داشت، زیان‌زندگان تنها به دلیل بی‌احتیاطی ساده بدون هدف محکوم نشده‌اند، بلکه رفتار زیان‌بار عمدی آنان آشکارا ایالت خاصی را مدنظر و هدف خویش قرار داده است (Goldman, 2015: 364-365). افزون بر این، دیوان عالی ابراز داشت، زیان‌زندگان مقاله‌ای را نوشتند که می‌دانستند به‌طور بالقوه اثر مخربی بر زیان‌دیدگان دارد.^۷ بر این مبنا، باید گفت که این رویکرد منظور یا نیت زیان‌زننده برای ایجاد آسیب به زیان‌دیده را در مرکز توجه خویش قرار می‌دهد (Floyd & Robison, 2006: 610). اما نباید از نظر دور داشت که از اراده و نیت زیان‌زننده برای تعیین محل ورود خسارت به زیان‌دیده استفاده شده و نیت زیان‌زننده، به‌تنهایی مبنای اعمال صلاحیت قرار نگرفته است. این امر آشکار می‌سازد، از دیدگاه دیوان عالی، صرف توجه به رفتار زیان‌بار برای اعمال صلاحیت کافی نخواهد بود و آثار آن، یعنی خسارت به‌بار آمده، باید نقش اساسی در تعیین دادگاه صالح بازی کند. این مهم می‌تواند تعادل مناسبی بین حقوق طرفین دعوا ایجاد نماید؛ چراکه هم به فعل زیان‌بار و هم آسیب واردآمده به زیان‌دیده توجه دارد.

1. https://scholar.google.com/scholar_case?case=4950422313567496732&hl=en&as_sdt=2006&as_vis=1, last visited: 26/01/2025.

2. Intentional tort.

3. Brunt.

4. Focal point.

5. *Carefirst of Md., Inc. v. Carefirst Pregnancy Ctrs., Inc.*, 334 F.3d 390, 398 n.7 (4th Cir. 2003); *IMO Indus., Inc. v. Kiekert AG*, 155 F.3d 254, 265–66 (3d Cir. 1998); *Griffis v. Luban*, 646 N.W.2d 527, 534 (Minn. 2002).

6. Mere untargeted negligence.

7. <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/465/783/>, last visited: 28/02/2024.

۲.۳. کاربرد قاعدهٔ «کالدور» در دعاوی پس از آن

پس از رأی کالدور، دادگاه‌های ایالات متحدهٔ آمریکا ضابطهٔ صلاحیت مقرر در این دعوا را به‌کار گرفتند و محدودیت‌ها و دگرگونی‌های دیگری را هم به آن افزودند؛ به‌گونه‌ای که نیت و رفتار زیان‌زننده برای تعیین صلاحیت در مرکز توجه آنان قرار گرفته است.

برای نمونه، می‌توان به دعاوی *والدن برابر فیور*^۱ اشاره کرد. در این دعوا، خوانده^۲ که مقیم ایالت نوادا و کالیفرنیا، آمریکا بود، در فرودگاه پرتوریکو^۳ از سوی مقام‌های امنیتی آن به دلیل حمل ۹۷ هزار دلار پول نقد توقیف شد. خوانده مدعی شد که وی قمارباز حرفه‌ای بوده، این مبلغ را برنده شده است. اما پس از عزیمت خوانده به فرودگاه آتلانتا، در آنجا نیز از جانب خواهان مورد بررسی قرار گرفت و آن پول نیز برای مدتی توقیف شد. خوانده که خویشتن را در این ماجرا متضرر می‌دید، برای جبران خسارات نزد دادگاه محل اقامت خویش، یعنی نوادا، طرح دعوا نمود (Genetin, 2015:150). دیوان عالی در این پرونده، ابراز داشت که رفتار خوانده اهمیت اساسی در تعیین صلاحیت دادگاه دارد و صرف ارتباط خواهان با دادگاه یا خوانده نمی‌تواند به‌تنهایی مثبت صلاحیت تلقی شود. به این ترتیب، تحلیل رفتار خوانده باید نشانگر این باشد که وی با محل دادگاه ارتباط دارد و دادگاه برای اعمال صلاحیت باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا رفتارهای خوانده، او را با محل دادگاه مرتبط می‌سازد یا خیر (Young, 2015: 762-763; Cook & D'Entremont, 2022: 638). از این گذشته، دیوان عالی باور داشت که محل بروز آسیب تنها می‌تواند نشان‌دهندهٔ ارتباط خوانده با آن محل باشد و خودش به‌تنهایی مبنایی برای اعمال صلاحیت نیست (Rhodes & Robertson, 2014: 227).

همچنین، در دعاوی شرکت *یاهو! برابر اتحادیه علیه نژادپرستی*^۴، دادگاه تجدیدنظر ایالات متحدهٔ آمریکا^۵ ضمن به‌کارگیری قاعدهٔ کالدور باور داشت برای تعیین صلاحیت، دادگاه رسیدگی‌کننده باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا خوانده اقدام‌های خویش را به صورت عامدانه متوجهٔ محل دادگاه ساخته است یا خیر. از این رو، دادگاه تجدیدنظر با تفسیر شرط سوم کالدور معتقد بود، ضرورتی به بروز لطمهٔ ناشی از آسیب در محل دادگاه وجود ندارد و همین که «مقدار متناسبی»^۶ از آسیب در محل دادگاه واقع شود، برای اعمال صلاحیت آن دادگاه کافی است؛ هرچند که زیان‌دیده در مکان‌های دیگر بیشتر آسیب ببیند. افزون بر این، اکثریت قضات دادگاه تجدیدنظر در این دعوا اظهار داشتند که رفتار خوانده برای تعیین

1. *Walden v. Fiore*, 571 U.S. 277 (2014).

2. Gina Fiore.

3. Puerto Rico.

4. *Yahoo! Inc. v. La Ligue Contre Le Racisme*, 433 F.3d 1199 (9th Cir. 2006).

5. United States Court of Appeals.

6. Jurisdictionally sufficient amount.

صلاحیت لزوماً نباید نامشروع باشد، بلکه رفتارهای مشروع خوانده نیز می‌تواند مبنایی برای اعمال صلاحیت دادگاه تلقی شود.^۱

تفسیر بااهمیت دیگر از رأی کالدرا از سوی دادگاه تجدیدنظر در دعوی شرکت بنکرافت و مسترز برابر شرکت آگوستا نات^۲ ارائه شد که مطابق آن، صرف اینکه رفتار زیان‌زننده در خارج از قلمرو دادگاه آثار پیش‌بینی‌پذیری را در محل دادگاه داشته است، همواره سبب اعطای صلاحیت به آن دادگاه نخواهد شد؛ بلکه نوعی «قصد آشکار»^۳ برای این منظور لازم است. به تعبیر دادگاه، قصد آشکار هنگامی می‌تواند ثابت شود که زیان‌زننده شخصی را هدف خویش قرار دهد که می‌داند ساکن محل دادگاه است.^۴ بر این اساس، زیان‌زننده باید به‌طور مشخص، زیان‌دیده و محل سکونت وی را هنگام ارتکاب رفتار زیان‌بار شناسایی کند. افزون بر دعوای یادشده، در سال‌های اخیر نیز قاعده صلاحیت دعوی کالدرا از سوی دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا به کار گرفته شده است^۵ که نشان‌دهنده رغبت آنها به اعمال این قاعده صلاحیت بوده که با وجود گذشت سالیانی از ایجاد آن و دگرگونی‌های جامعه و پیشرفت فناوری‌ها و رسانه‌ها پابرجا مانده است.

۳.۳. کاربرد قاعده «کالدرا» در دعوی افترای اینترنتی

رأی «کالدرا» در سال ۱۹۸۴، یعنی نزدیک به سال تولد رسمی اینترنت (۱۹۸۳)^۶ صادر شده است، اما بررسی آرای پس از «کالدرا» نشان می‌دهد که دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا، ضابطه صلاحیت این دعوا را نسبت به افترای اینترنتی نیز به کار گرفته‌اند.^۷ به این ترتیب، این پرسش اساسی شکل می‌گیرد که با توجه به گسترش رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی و فضای مجازی، ضابطه کالدرا چگونه می‌تواند در مورد افترای اینترنتی به کار گرفته شود؟

1. https://scholar.google.com/scholar_case?case=17104253064900002207&hl=en&as_sdt=6&as_vis=1&oi=scholar, last visited: 23/7/2025.
2. Bancroft & Masters, Inc. v. Augusta Nat. Inc., 223 F. 3d 1082 - Court of Appeals, 9th Circuit 2000.
3. express aiming.
4. https://scholar.google.com/scholar_case?case=9465444819535320064&q=Bancroft+%26+Masters,+Inc.+v.+Augusta+Nat.+Inc&hl=en&as_sdt=2006&as_vis=1, last visited: 23/07/2025.
5. Carbone v. KAAL, Court of Appeals, 6th Circuit 2025; Briskin v. Shopify, Inc., 135 F. 4th 739 - Court of Appeals, 9th Circuit 2025; CRYOPAK INC. v. FRESHLY LLC, Dist. Court, D. New Jersey 2024; Hasson v. FullStory, Inc., 114 F. 4th 181 - Court of Appeals, 3rd Circuit 2024; Moore v. Cecil, 109 F. 4th 1352 - Court of Appeals, 11th Circuit 2024; Herbal Brands, Inc. v. Photoplaza, Inc., 72 F. 4th 1085 - Court of Appeals, 9th Circuit 2023; Johnson v. Griffin, 85 F. 4th 429 - Court of Appeals, 6th Circuit 2023; Lang Van, Inc. v. VNG CORP., 40 F. 4th 1034 - Court of Appeals, 9th Circuit 2022; Burri Law PA v. Skurla, 35 F. 4th 1207 - Court of Appeals, 9th Circuit 2022.
6. https://www.usg.edu/galileo/skills/unit07/internet07_02.phtml, last visited: 27/02/2024.
7. Johnson v. GAWKER MEDIA, LLC, Dist. Court, ED Missouri 2016; Revell v. Lidov, 317 F. 3d 467 - Court of Appeals, 5th Circuit 2002; HELALI v. LEGARDE, Dist. Court, D. Vermont 2022; Bo Jackson v. Chicago Tribune (N.D. Ill. 2005); Johnson v. TheHuffingtonPost. com, Inc., 21 F. 4th 314 - Court of Appeals, 5th Circuit 2021.

دسترسی آسان اشخاص از سراسر دنیا به محتوای افتراآمیز قرار داده‌شده در اینترنت، اساسی‌ترین چالش صلاحیتی دعاوی افترا است؛ به‌گونه‌ای که دادگاه همه کشورهای که در محل آنان دسترسی به محتوای افتراآمیز وجود داشته، ممکن است خود را صالح تلقی کنند. لیکن شماری از دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا با تکیه بر رأی کالدر، این چالش را شناسایی کرده و چاره‌ای برای آن جستجو می‌کنند.

برای نمونه، در دعوی ریول برابر لیدوف^۱، دادگاه تجدیدنظر ضمن اعمال شروط سه‌گانه کالدر نسبت به پرونده پیش روی خویش، ابراز داشت که انتشار محتوای افتراآمیز در اینترنت، همه جهان را هدف خویش قرار می‌دهد و صرف انتشار محتوای افتراآمیز در فضای مجازی به این معنا نیست که زیان‌زننده قصد انتقال مطالب خویش را به تمام نقاط دنیا داشته است؛ بلکه برای اثبات صلاحیت دادگاه، شواهدی باید وجود داشته باشد که نشان دهد محتوای افتراآمیز محل دادگاه را هدف خویش قرار داده است.^۲ همین دیدگاه پیش‌تر نیز در رأی شرکت زیپو در برابر شرکت زیپو دات کام^۳ ابراز شده بود.^۴

افزون بر این، دادگاه تجدیدنظر در دعوی ریول، بر پیش‌بینی‌پذیری محل دادگاه برای زیان‌زننده نیز تأکید داشت؛ به‌گونه‌ای که وی نسبت به محل خاصی که در آن زیان‌دیده لطمه ناشی از آسیب را متحمل خواهد شد، آگاهی داشته باشد.^۵ به این ترتیب، پیش‌بینی‌پذیری محل آسیب در ذهن زیان‌زننده نیز ضروری تلقی شده است. شایان ذکر است، در دعوی بریسکین برابر شرکت شاپیفای^۶ دادگاه تجدیدنظر معتقد بود، اگر زیان‌زننده بداند که خواهان ساکن محل دادگاه رسیدگی‌کننده است و با این حال، رفتار خویش را معطوف به آن شخص نماید، قصد او آشکار خواهد شد و دادگاه صلاحیت رسیدگی به آن دعوا را خواهد یافت؛ هرچند رفتار زیان‌زننده در محل دادگاه بخشی از کل رفتار او در سطح جهان باشد.^۷ به این ترتیب، صرف آگاهی زیان‌زننده از محل سکونت زیان‌دیده برای اعمال صلاحیت کافی خواهد بود و برخلاف رأی «والدن»، ارتباط رفتار خوانده با محل دادگاه ضروری نیست.^۸ بر این اساس، رأی بریسکین مسیر ساده‌تری پیش‌روی زیان‌دیدگان قرار داد تا در محل اقامت خویش اقامه دعوا کنند؛ هرچند که محتوای افتراآمیز در بستر اینترنت و در کل جهان منتشر شده باشد.

1. Revell v. Lidov, 317 F.3d 467 (5th Cir. 2002).

2. [https://scholar.google.com/scholar_case?case=12105780563122712640&q=Revell+v.+Lidov,+317+F.3d+467+\(5th+Cir.+2002\).&hl=en&as_sdt=2006#r\[14\]](https://scholar.google.com/scholar_case?case=12105780563122712640&q=Revell+v.+Lidov,+317+F.3d+467+(5th+Cir.+2002).&hl=en&as_sdt=2006#r[14]), last visited: 23/07/2025.

3. Zippo Mfg. Co. v. Zippo Dot Com, Inc., 952 F. Supp. 1119, 1124 (W.D. Pa 1997).

4. <https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/952/1119/1432344/>, last visited: 23/07/2025.

5. <https://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/F3/317/467/484358/>, last visited: 23/07/2025.

6. Briskin v. Shopify, Inc., 135 F. 4th 739 - Court of Appeals, 9th Circuit 2025.

7.

https://scholar.google.pl/scholar_case?case=17500697981474747508&hl=en&as_sdt=6&as_vis=1&oi=scholar, last visited: 23/07/2025.

8. Briskin v. Shopify, Inc., No. 22-15815 (9th Cir. Apr. 21, 2025). Available at: <https://cdn.ca9.uscourts.gov/datastore/opinions/2025/04/21/22-15815.pdf>.

البته رأی بریسکین در خصوص افترا نبود و این رأی به تازگی و در سال ۲۰۲۵ صادر شده است. ولی اگر دادگاه‌های ایالات متحده بخواهند در دعاوی افترا از حکم آن بهره جویند، شاهد این خواهیم بود که در دعاوی افترای اینترنتی، خواهان بتواند به سادگی در دادگاه محل اقامت خویش اقامه دعوا کند. این امر به شدت خوانندگان دعاوی افترا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به سوی خواهان گرایش زیادی دارد. لیکن با وجود فضای مجازی که محتوای افتراآمیز را در بسیاری از کشورها در دسترس قرار می‌دهد، چندان منصفانه و منطقی به نظر نمی‌رسد که صرف آگاهی زیان‌زننده به محل سکونت زیان‌دیده، صلاحیت رسیدگی به دعوا را به دادگاه آن محل بدهد؛ بلکه کنکاش بیشتری در قصد زیان‌زننده ضروری است تا محل عمده رفتار او و خسارت خواهان مشخص گردد.

با وجود این، باید گفت که دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا با تکیه بر ضابطه کالدر، بر این نکته تأکید دارند که صرف انتشار محتوای افتراآمیز در فضای مجازی برای اثبات صلاحیت دادگاه کافی نخواهد بود. این امر نشان می‌دهد که دادگاه‌ها چالش‌های ایجادشده از سوی فضای مجازی را درک کرده‌اند.

۳.۴. ارزیابی و تحلیل رأی کالدر

کاربرد گسترده قاعده کالدر از سوی دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا، این پرسش را مطرح می‌سازد که چرا دادگاه‌های این کشور تمایل به اعمال آن دارند و نیت زیان‌زننده را برای تعیین صلاحیت در مرکز توجه خویش قرار داده‌اند؟

در پاسخ به این پرسش، نخستین عاملی که به نظر می‌رسد سبب گرایش دادگاه‌های ایالات متحده به ضابطه کالدر شده، استوار بودن تعیین دادگاه صالح بر صلاحدید خود دادگاه رسیدگی‌کننده است؛ چراکه برداشت دادگاه از نیت و قصد زیان‌زننده و خسارت به‌بارآمده از سوی او (شرط دوم و سوم کالدر) صلاحیت را تعیین می‌کند و دادگاه با تکیه بر این قاعده مختار است تا با بررسی هر پرونده در خصوص اعمال صلاحیت خود تصمیم‌گیری کند.

وجود این ویژگی، هرچند سبب انعطاف‌پذیری بالای آن می‌شود، ولی دادن این اختیار گسترده به دادگاه، همواره این هراس را به وجود می‌آورد که دادگاه با کمترین ارتباط، خود را صالح تشخیص دهد و میل و رغبت شخصی دادگاه برای رسیدگی به پرونده در اعمال صلاحیت تأثیر گذارد. ضمن آنکه نامعلوم بودن مفهوم نیت یا قصد زیان‌زننده بر عدم پیش‌بینی‌پذیری آن می‌افزاید؛ چنان‌که آرای صادرشده از سوی دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا در دعاوی پس از کالدر، در تعریف این مفهوم و تعیین حدود آن دچار اختلاف شده و تفاسیر مختلفی را ارائه داده‌اند (Floyd & Robison, 2006: 610). با توجه به این مفهوم نامعین از نیت و قصد زیان‌زننده، چندان دور از انتظار نخواهد بود که دادگاهی به موضوعی در دعاوی توجه نماید و به موضوعی دیگر اعتنا نکند، ولی همان موضوع برای دادگاهی دیگر ارزشمند باشد.

البته گفتنی است، به نظر برخی، اساس حکم و منطق دیوان عالی در رأی کالدر این است که هرگاه شخصی رفتار زیان‌بار خویش را به شخص دیگری که در ایالت دیگری ساکن است، معطوف سازد، می‌تواند پیش‌بینی کند برای ارتکاب رفتار زیان‌بار خویش در دادگاه همان ایالت، مجبور به پاسخگویی است (Spencer, 2006: 101) و همین امر، پیش‌بینی‌پذیری متناسبی را ارائه خواهد کرد. ولی با تکیه بر چنین منطقی، باید گفت که مبنای صلاحیت در موضوع افتراء، بیش از هر عاملی، بر محل سکونت زیان‌دیده استوار خواهد بود و اقتدار دادگاه این محل اجازه نخواهد داد که به دعاوی راجع به حیثیت اشخاص مقیم آن، در دادگاه دیگری رسیدگی شود. از این رو، ممکن است با به‌کارگیری سه شرط مقرر دعاوی کالدر در دیگر انواع دعاوی، دادگاهی غیر از محل سکونت زیان‌دیده صالح تلقی شود، ولی در دعاوی افتراء، دادگاه محل سکونت زیان‌دیده امکان بیشتری برای صلاحیت خواهد داشت.

بر این اساس، به‌عنوان عامل اساسی دیگر برای رغبت دادگاه‌ها به استفاده از ضابطه کالدر می‌توان به قدرت و حقی اشاره داشت که رأی یادشده به دادگاه‌ها داده است تا از منافع شهروندان خویش که در حوزه قضایی خودشان از رفتار زیان‌بار عامدانه اشخاص خارج از محل دادگاه آسیب دیده‌اند، حفاظت و حمایت نمایند (Spencer, 2004: 202). به این سبب، دادگاه می‌تواند با تمسک به این قاعده صلاحیت، نسبت به رفتار زیان‌بار کسانی رسیدگی کند که در خارج از قلمرو دادگاه سکونت دارند و رفتار زیان‌بار آنان اشخاص مقیم محل دادگاه را متأثر ساخته است.

اما یکی از مهم‌ترین چالش‌های اعمال چنین قاعده‌ای این است که گاهی محتوای افتراءآمیز در شماری از کشورها به میزان یکسانی پخش می‌شود و به همین جهت، تشخیص نقطه قانونی رفتار زیان‌بار و اثر آن، دشوار می‌شود و تعیین یک مکان برای آن ناممکن است؛ چنان‌که ترجیح یکی از آنها بر دیگری امکان‌پذیر نیست. در این صورت، اگر با طرح دعاوی خواهان، دادگاه هردو کشور نسبت به آن موضوع اعمال صلاحیت کنند، خواهان این امکان را می‌یابد که در هر کدام از این دو محل که قوانین و قواعد ماهوی آن را به سود خویش ببیند، اقامه دعوا نماید.

به این ترتیب، باید گفت که انعطاف‌پذیری بالا و امکان حمایت از حقوق اشخاص مقیم دادگاه، از مهم‌ترین عوامل گرایش دادگاه‌های ایالات متحده به قاعده یادشده است، اما عدم قطعیت مفاهیم اصلی تعیین صلاحیت در این قاعده، امکان دخالت تمایل شخصی دادگاه‌ها برای اعمال صلاحیت و احتمال ایجاد صلاحیت مضاعف، از چالش‌هایی است که قاعده کالدر با آن مواجه است.

۴. حقوق ایران

از آنجا که در حقوق ایران، افتراء، هم دارای جنبه کیفری و هم مدنی است، قواعد قابل اعمال نسبت به

صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های این کشور را باید هم در قوانین آیین دادرسی کیفری و هم قوانین آیین دادرسی مدنی یافت. بر این اساس، این مبحث، قواعد صلاحیت ایرانی را در دو عنوان «نظام آیین دادرسی مدنی» و «نظام آیین دادرسی کیفری» مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۴.۱. نظام آیین دادرسی مدنی

در مجموعه مقررات آیین دادرسی مدنی ایران قواعد ویژه‌ای در خصوص صلاحیت بین‌المللی مقرر نشده است و قواعد صلاحیت داخلی در چنین مواردی نیز اعمال می‌شود (Safai, 2014: 192). اما در قواعد داخلی حقوقی ایران نیز قاعده خاصی برای دعاوی افترا یا دیگر الزام‌های خارج از قرارداد وضع نشده است و از این رو، همان قاعده عمومی ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) در این خصوص اعمال خواهد شد (Safaei Moafi et al., 2023: 879-880) که به موجب آن محل اقامت خوانده، سکونت موقت او، محل وقوع مال غیرمنقول متعلق به خوانده و محل اقامت خواهان به عنوان ضوابطی برای تعیین صلاحیت شناسایی شده‌اند.

با اینکه ممکن است تعریف‌های مختلفی از مفاهیم محل اقامت یا سکونت وجود داشته باشد، ولی این مفاهیم قطعی هستند و دادگاه هیچ اختیاری در تعیین آنها ندارد و نمی‌تواند با توجه به حقایق هر پرونده مصادیق آنها را معین نماید؛ بلکه قانون‌گذاران، به طور معمول، تعریف از این مفاهیم ارائه می‌دهند و دادگاه موظف است با تکیه بر آن تعریف، مصداق مفاهیم یادشده را مشخص کند. به این ترتیب، محل اقامت، سکونت یا وقوع مال غیرمنقول، به خودی خود هیچ‌گونه انعطافی ندارد تا دادگاه بتواند با تمسک به آن، تأثیر نیت زیان‌زننده را تشخیص دهد و بر مبنای آن، در خصوص اعمال صلاحیت تصمیم‌گیری کند. از این گذشته، قاعده صلاحیت بیان‌شده در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، در خصوص افترا هیچ‌گونه توجهی به رفتار زیان‌بار و حتی خسارت به‌بار آمده برای زیان‌دیده ندارد و تنها به عنوان یک قاعده عمومی تعیین صلاحیت که نسبت به تمامی دعاوی مدنی اعمال می‌شود، قابل پذیرش بوده و به همین منظور از سوی قانون‌گذاران ایرانی مقرر شده است (Safaei Moafi et al., 2023: 863-864). البته می‌توان مدعی شد که محل اقامت خوانده به نوعی با محل ارتکاب رفتار زیان‌بار یکسان است؛ چراکه خوانده از محل اقامت خود اقدام به انتشار محتوای افتراآمیز کرده است. همچنین، می‌توان گفت که محل اقامت خواهان نیز به دلیل آنکه محل عمده فعالیت‌ها و زندگی اوست، باید محل وقوع خسارت محسوب گردد. لیکن چنین ادعاهایی برخلاف منظور قانون‌گذار از وضع ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی است؛ زیرا در این ماده، قانون‌گذاران ایرانی در پی ایجاد قاعده عمومی صلاحیت بوده‌اند تا مطابق اصل برائت خوانده، وی مجبور نباشد برای دفاع از حقوق خود به محل دیگری به جز محل اقامت خویش

برود (Shams, 2015: 382) و هزینه ناشی از دفاع را بر دوش کشد. همچنین، اعمال صلاحیت بر مبنای محل اقامت خواهان نیز برای حمایت از حقوق ایرانیانی است که مدعی داشتن حق بر اشخاص خارجی هستند و قانون‌گذار خواسته است تا با رسیدگی دادگاه‌های ایرانی به دعاوی ایرانیان، به‌ویژه در صورتی که امکان اقامه دعوا در دادگاه خارجی را نداشته باشند، از حقوق آنان حمایت کند (Safai, 2014: 213). بنابراین، قاعده صلاحیت مقرر در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، به‌طور اختصاصی، برای دعاوی افترا یا دیگر الزام‌های خارج از قرارداد وضع نشده است و به همین دلیل، با ویژگی‌های این‌گونه دعاوی هماهنگی ندارد.

۲.۴. نظام آیین دادرسی کیفری

در آیین دادرسی کیفری ایران دو مسیر در پیش پای زیان‌دیدگان برای اقامه دعوی افترا وجود دارد. به این ترتیب، زیان‌دیدگان هم می‌توانند با توجه به وصف کیفری افترا در حقوق ایران، در دادگاه‌های کیفری دعاوی خویش را مطرح سازند و همچنین، این امکان هم برای آنان وجود دارد که براساس ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دعاوی جبران ضرر و زیان معنوی، مانند هتک حیثیت را که ناشی از جرم باشد، نزد دادگاه‌های کیفری ایران اقامه نمایند و دادگاه کیفری نیز با رعایت مواد ۱۴ تا ۱۷ و ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری به این دعوا رسیدگی خواهد کرد (Safaei Moafi et al., 2023: 871). بنابراین، قواعد آیین دادرسی کیفری برای تعیین صلاحیت بین‌المللی در دعاوی افترا قابل اعمال است. در این راستا، ماده ۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) دربردارنده قاعده‌ای است که به‌موجب آن، هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است. بر این اساس، ماده پیش‌گفته اصل صلاحیت سرزمینی مبتنی بر «محل ارتکاب جرم» را به‌عنوان یکی از قواعد صلاحیت بین‌المللی پذیرفته است که محل اقامت مرتکب یا زیان‌دیده در ایجاد آن نقشی ندارد (Khaleghi, 2016: 37). به این ترتیب، قاعده صلاحیت محل ارتکاب جرم نیز می‌تواند در خصوص دعاوی افترای فرامرزی، در حقوق ایران به‌کار گرفته شود.

با وجود آنکه در بسیاری از جرایم، محل ارتکاب جرم را به‌سادگی می‌توان تعیین نمود، در دعاوی افترا، مفهوم محل ارتکاب جرم نامعلوم و پیچیده است؛ چراکه برخلاف خساراتی نظیر آسیب بدنی یا اتلاف اموال، روش‌های ارتکاب افترا گوناگون است و به دلیل ناملموس و معنوی بودن حیثیت اشخاص، برای ارتکاب این رفتار زیان‌بار، نیازی به نزدیکی فیزیکی بین زیان‌دیده و زیان‌زننده وجود ندارد. این درحالی است که در بسیاری از انواع خسارات، هرچند لزومی به نزدیکی فیزیکی میان زیان‌زننده و زیان‌دیده وجود ندارد، حقوق کشورها بر ضرورت چنین نزدیکی تأکید کرده‌اند. برای مثال، به‌موجب حقوق

برخی از کشورها، زیان دیدگانی که بر اثر آسیب بدنی به خویشان خود دچار خسارت روانی شده‌اند، برای جبران زیان خویش باید در حادثه آسیب‌زا حضور فیزیکی داشته باشند (Safaei Moafi et al., 2022: 266-267). ولی در افترا، اشخاص می‌توانند از مکانی دور با گفته‌های خویش به حیثیت و آبروی دیگران خدشه وارد کنند و با توجه به آنکه گستره حیثیت اشخاص محدود به مکان خاصی نیست، تعیین دقیق محل ارتکاب افترا دشوار و مفهوم آن مبهم است.

همین دشواری سبب شده است که رویه قضایی ایران در تعیین محل ارتکاب افترا دچار اختلاف شده، آرای مختلفی در این باره صادر شود؛ به طوری که هر کدام از دادگاه‌های ایرانی، یکی از محل‌های حضور زیان‌زننده^۱، زیان‌دیده^۲ و مخاطب محتوای افتراآمیز^۳ را به عنوان محل ارتکاب افترا به مفهوم این پژوهش تلقی کرده‌اند (Safaei Moafi et al., 2023: 871). اما هیچ کدام از آرای یادشده سعی نداشته است تا با بررسی و تحلیل نیت زیان‌زننده، مبنی بر انتقال محتوای افتراآمیز به مکانی خاص، اقدام به تعیین دادگاه صالح نماید.

با وجود این، نامشخص و مبهم بودن مفهوم محل ارتکاب جرم در دعاوی افتراء، این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان با تکیه بر ویژگی‌ها و روش‌های ارتکاب افتراء، تفسیر مناسبی از مفهوم محل ارتکاب جرم ارائه داد که بر نیت زیان‌زننده مبتنی باشد؛^۴ به‌گونه‌ای که محل ارتکاب جرم، آن محلی تلقی شود که رفتار عامدانهٔ زیان‌زننده، بیش از هر مکانی، معطوف به همان محل بوده و عمده‌ترین میزان تأثیر را از رفتار زیان‌بار پذیرفته است. در این راستا، برای دستیابی به نیت زیان‌زننده و کشف هدف مدنظر او می‌توان از ضوابط نوعی، مانند متن محتوای افتراءآمیز یا میزان پخش و دسترسی به آن محتوا در مکانی خاص، بهره گرفت. همچنین، نباید خسارت واردآمده به حیثیت زیان‌دیده به‌عنوان اثر رفتار زیان‌بار، نادیده گرفته شود و دادگاه باید در کنار دیگر ضوابط، به محل زندگی و کار زیان‌دیده برای تعیین محل ارتکاب جرم توجه داشته باشد.

۱. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۸۵۱۶۰۱۰۰۳۲ به تاریخ ۱۳۹۵/۶/۲۷ صادره از شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور؛ دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۲۶۸۷۴۰۰۲۸۳ به تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۴ صادره از شعبه ۶۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران. به نظر می‌رسد، بندهای «الف»، «ب»، «پ» و تا حدودی «ت» ماده ۶۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز محل زیان‌زننده را مبنای اعمال صلاحیت در دعوی ناشی از جرائم رایانه‌ای دانسته‌اند.
۲. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۰۵۰۰۱۰۷۰ به تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲ صادره از شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور.
۳. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۹۰۰۳۳۳ به تاریخ ۱۳۹۳/۶/۸ صادره از شعبه دوم دیوان عالی کشور.
۴. بدیهی است که زبان دیدگان می‌توانند، افزون بر محل ارتکاب جرم، مطابق قواعد عمومی تعیین صلاحیت در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)، دعوی جبران خسارت خویش را در دادگاه محل اقامت خوانده مطرح کنند.

به کارگیری چنین تفسیری از محل ارتکاب جرم می‌شود تا قواعد صلاحیت بین‌المللی دارای انعطافی شوند که می‌تواند با توجه به حقایق هر پرونده، مناسب‌ترین و مرتبط‌ترین دادگاه را برای رسیدگی به دعوای افترا برگزیند؛ به‌طوری که از صلاحیت دادگاه‌های بی‌ارتباط یا کم‌ارتباط پیشگیری خواهد کرد.

لیکن به‌سختی می‌توان این تحلیل از محل ارتکاب جرم را با مقررات قانون مجازات اسلامی تطبیق داد؛ زیرا منظور قانون‌گذاران ایرانی از وضع ماده ۴ قانون مجازات اسلامی، تعیین صلاحیت با تکیه بر اصل صلاحیت سرزمینی بوده است تا با این روش، به دادگاه‌های ایرانی اجازه دهند که به جرایم روی داده در قلمرو حاکمیتی ایران رسیدگی کنند و اقتدار خویش را بر مجرمان ایرانی یا بیگانه‌ای که گستره رفتار مجرمانه خویش را به درون مرزهای ایران رسانده‌اند، تحمیل نمایند.

اما چنان که برخی اشاره داشته‌اند، در دعوای افترا، برای تضمین دادرسی عادلانه و دقیق و وجود ارتباط بین دادگاه رسیدگی‌کننده و دعوا، دادگاهی می‌بایست به‌عنوان مرجع صالح تلقی گردد که هم‌زمان میزان عمده رفتار زیان‌بار و خسارت در محل آن واقع شده باشد (Safaei Moafi et al. (b), 2024: 155). از این رو، به‌نظر می‌رسد قاعده صلاحیت مبتنی بر نیت زیان‌زننده، به‌مانند قاعده مقرر از سوی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در *دعوی کالدر* و در دعوای افترا، از آنجا که با کنکاش در قصد زیان‌زننده و آسیب واردآمده بر شهرت و اعتبار زیان‌دیده اقدام به تعیین مرجع صالح می‌کند، پیش‌بینی‌پذیری قابل قبولی را فراهم آورد. این مهم می‌تواند از منظر تحلیل اقتصادی نیز برای نظام قضایی و طرفین دعوا سودمند باشد؛ زیرا از این منظر، صلاحیت رسیدگی باید به مرجعی واگذار شود که هزینه دادرسی کمتر و توان بیشتری در کشف حقیقت داشته باشد. این منظور می‌تواند در دادگاهی که با اعمال قاعده یادشده تعیین می‌شود، بهتر برآورده شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این پژوهش به بررسی نقش نیت زیان‌زننده و آثار آن در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا و ایران با هدف ارزیابی و نقد به کارگیری چنین قاعده صلاحیتی برای دعوای افترا پرداخته است. مطالعه انجام‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد، دو نظام حقوقی یادشده در این خصوص رویکردهای متفاوتی را درپیش گرفته‌اند.

در حقوق ایالات متحده آمریکا، قاعده‌ای موسوم به ضابطه تأثیر برای تعیین صلاحیت در دعوای افترا قابل اعمال است. بر اساس این قاعده، وجود سه شرط برای اعمال صلاحیت ضروری است. بر این مبنا، خواننده باید مرتکب رفتار زیان‌بار عمدی شده، زیان‌دیده آسیب عمده ناشی از رفتار زیان‌بار را در محل

دادگاه متحمل شده باشد و تحلیل نیت و قصد زیان‌زننده آشکار سازد که وی قصد بروز نتیجه رفتار خویش را در محل دادگاه داشته است. به این ترتیب، نیت و قصد زیان‌زننده یکی از مبانی اساسی تعیین صلاحیت تلقی شده است. لیکن برخلاف حقوق ایالات متحده آمریکا، ملاحظه قواعد مقرر در حقوق ایران آشکار می‌سازد که نیت و قصد زیان‌زننده در پخش محتوای افتراآمیز در یک منطقه خاص، برای تعیین صلاحیت دادگاه‌ها نقشی ندارد. البته نظام آیین دادرسی کیفری ایران محل ارتکاب جرم را به عنوان یکی از مبانی اعمال صلاحیت قرار داده است. اما از آنجا که مفهوم محل ارتکاب جرم در دعاوی افتراء، به سبب امکان دوری فیزیکی میان طرفین دعوا و مخاطبان محتوای افتراآمیز، نامعلوم و پیچیده است، رویه قضایی تفاسیر متعددی ارائه کرده که برخی به بررسی نیت و آثار رفتار زیان‌زننده تمایل دارند، اما این رویکرد با اراده مقنن برای اتکا به اصل سرزمینی ناسازگار است.

با تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که ضابطه صلاحیت وضع شده در حقوق ایالات متحده آمریکا، انعطاف‌پذیری بالایی دارد؛ به گونه‌ای که دادگاه می‌تواند با بررسی نیت زیان‌زننده و آسیب واردآمده به زیان‌دیده، مرتبط‌ترین حوزه برای رسیدگی را برگزیند و عدالت بین طرفین را با تکیه بر همین ویژگی تا حد قابل‌قبولی تأمین نماید. اما عدم وضوح شیوه تحلیل رفتار زیان‌زننده و آسیب زیان‌دیده، احتمال اختلاف آرا و اعمال هم‌زمان صلاحیت چند دادگاه را افزایش داده، چالش صلاحیت مضاعف را به وجود خواهد آورد. ضمن آنکه نظام‌های قضایی به‌سختی خواهند پذیرفت که دادگاه خارجی به دعاوی افتراپی رسیدگی کند که در کشور آنان ارتکاب یافته است.

با توجه به سودمندی‌ها و کاستی‌های قاعده صلاحیت مبتنی بر نیت زیان‌زننده، چنین قاعده‌ای به‌تنهایی نمی‌تواند برای تعیین صلاحیت بین‌المللی به کار گرفته شود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود، نیت زیان‌زننده از انتقال محتوای افتراآمیز به مکانی خاص و آسیب عمده وارد آمده به حیثیت زیان‌دیده در آن مکان، در کنار دیگر ضوابط، برای تعیین دادگاه صالح به کار گرفته شود؛ به گونه‌ای که این ضابطه به عنوان قاعده‌ای فرعی برای قاعده اصلی تعیین صلاحیت مقرر شود و دادگاه‌ها بتوانند با تمسک به این قاعده فرعی، از اعمال صلاحیت نامناسب یا نامتعارف خودداری نمایند.

References

1. Anderson, W. S. (1969). *Ballentine's Law Dictionary with Pronunciations*. 3rd edition. Rochester: Lawyers Co-operative Publishing Company.
2. Ballentine, J. A. (1923). *A Law Dictionary of Words*. 1st edition. Rochester: Lawyers Co-operative Publishing Company.
3. Babaei, I. and Azadbakht, S. (2024). A Comparative Study of Tortious Liability Caused by Defamation in Iranian, American and English Law. *The Judiciary's Law Journal* 88(125), 363-397. DOI: [10.22106/ijl.2024.2007631.5376](https://doi.org/10.22106/ijl.2024.2007631.5376) (In Persian).
4. Belfield, E. (2018). Establishing Personal Jurisdiction in an Internet Context:

- Reconciling the Fourth Circuit ‘Targeting’ Test With *Calder V. Jones* Using Awareness, *University of Pittsburgh Law Review* 80(2), 457-479. DOI: [10.5195/lawreview.2018.606](https://doi.org/10.5195/lawreview.2018.606)
5. Cook, Gregory C. & D’Entremont, Andrew Ross (2022). No End in Sight? Navigating the “Vast Terrain” of Personal Jurisdiction in Social Media Cases after *Ford*, *Alabama Law Review* 73(3), 621–656.
 6. Conley, A. (2025). Navigating Personal Jurisdiction Based on Social Media Activity – Tips for Practitioners, *Belmont Law Review* 12(2), 405-425. DOI: [10.2139/ssrn.5245725](https://doi.org/10.2139/ssrn.5245725)
 7. Erbsen, A. (2015). Personal Jurisdiction Based on the Local Effects of Intentional Misconduct, *William & Mary Law Review* 57(2), 385-453.
 8. Floyd, C. D. & Baradaran-Robison, Sh. (2006). Toward a Unified Test of Personal Jurisdiction in an Era of Widely Diffused Wrongs: The Relevance of Purpose and Effects. *Indiana Law Journal*. 81 (2), 601-666. DOI: [10.2139/ssrn.1516163](https://doi.org/10.2139/ssrn.1516163)
 9. Garner, B. A. (2009). *Black’s Law Dictionary*. 9th edition. Saint Paul: Thomson Reuters.
 10. Genetin, B. B. (2015). The Supreme Court’s New Approach to Personal Jurisdiction, *SMU Law Review* 68(1), 107-167.
 11. Gholamloo, J. and Daryaei, R. (2022). Defamation Crimes: From Criminalization to Decriminalization and Civil Law Model. *Criminal Law Doctrines* 19(23), 203-240. doi: [10.30513/cld.2023.4836.1779](https://doi.org/10.30513/cld.2023.4836.1779) (In Persian).
 12. Gifis H., S. (2011). *Law Dictionary*. 6th edition. China: Barron’s.
 13. Goldman, L. (2015). From *Calder* to *Walden* and Beyond: The Proper Application of the “Effects Test” in Personal Jurisdiction Cases, *The San Diego Law Review* 52(2), 357-398.
 14. Google Scholar (n.d.). *Calder v. Jones*, 465 US 783 - Supreme Court 1984. last visited: 26/01/2025. Available at: https://scholar.google.com/scholar_case?case=4950422313567496732&hl=en&as_sdt=2006&as_vis=1.
 15. Google Scholar (n.d.). *Yahoo! Inc. v. La Ligue Contre Le Racisme*, 433 F. 3d 1199 - Court of Appeals, 9th Circuit 2006. last visited: 23/07/2025. Available at: https://scholar.google.com/scholar_case?case=17104253064900002207&hl=en&as_sdt=6&as_vis=1&oi=scholar.
 16. Google Scholar (n.d.). *Bancroft & Masters, Inc. v. Augusta Nat. Inc.*, 223 F. 3d 1082 - Court of Appeals, 9th Circuit 2000. last visited: 23/07/2025. Available at: https://scholar.google.com/scholar_case?case=9465444819535320064&q=Bancroft+%26+Masters,+Inc.+v.+Augusta+Nat.+Inc&hl=en&as_sdt=2006&as_vis=1
 17. Google Scholar (n.d.). *Zippo Mfg. Co. v. Zippo Dot Com, Inc.*, 952 F. Supp. 1119 - Dist. Court, WD Pennsylvania 1997. last visited: 23/07/2025. Available at: [https://scholar.google.com/scholar_case?case=2622455915709061368&q=Zippo+Mfg.+Co.+v.+Zippo+Dot+Com,+Inc.,+952+F.+Supp.+1119,+1124+\(W.D.+Pa+1997\)&hl=en&as_sdt=2006](https://scholar.google.com/scholar_case?case=2622455915709061368&q=Zippo+Mfg.+Co.+v.+Zippo+Dot+Com,+Inc.,+952+F.+Supp.+1119,+1124+(W.D.+Pa+1997)&hl=en&as_sdt=2006)
 18. Google Scholar (n.d.). *Revell v. Lidov*, 317 F. 3d 467 - Court of Appeals, 5th Circuit 2002. last visited: 23/07/2025. Available at: [https://scholar.google.com/scholar_case?case=12105780563122712640&q=Revell+v.+Lidov,+317+F.3d+467+\(5th+Cir.+2002\)&hl=en&as_sdt=2006#r14](https://scholar.google.com/scholar_case?case=12105780563122712640&q=Revell+v.+Lidov,+317+F.3d+467+(5th+Cir.+2002)&hl=en&as_sdt=2006#r14)
 19. Google Scholar (n.d.). *Briskin v. Shopify, Inc.*, 135 F. 4th 739 - Court of Appeals, 9th

- Circuit 2025. last visited: 23/07/2025. Available at: https://scholar.google.pl/scholar_case?case=17500697981474747508&hl=en&as_sdt=6&as_vis=1&oi=scholar.
20. Jafari Langroodi, M. J. (2023). *Legal Terminology*. 37th edition. Tehran: Ganj Danesh Publications (In Persian).
 21. Jasper, M. C. (2006). *The Law of Libel & Slander*. 1st edition. New York: Oceana Publications.
 22. Justia (n.d.). *Gertz v. Robert Welch, Inc.*, 418 U.S. 323 (1974). last visited: 25/1/2025. Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/418/323/>.
 23. Justia (n.d.). *Jones v. Calder* (1982). last visited: 27/02/2024. Available at: <https://law.justia.com/cases/california/court-of-appeal/3d/138/128.html>.
 24. Justia (n.d.). *Calder v. Jones*, 465 U.S. 783 (1984). last visited: 28/02/2024. Available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/465/783/>.
 25. Justia (n.d.). *Zippo Mfg. Co. v. Zippo Dot Com, Inc.*, 952 F. Supp. 1119 (W.D. Pa. 1997). last visited: 23/07/2025. Available at: <https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/952/1119/1432344/>.
 26. Justia (n.d.). *Revell v. Lidov*, 317 F.3d 467 (5th Cir. 2002). last visited: 23/07/2025. Available at: <https://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/F3/317/467/484358/>.
 27. Khaleghi, Ali (2016). *Essays on International Criminal Law*. fifth edition. Tehran: The SD Institute of Law Research & Study (In Persian).
 28. Ludington, S. H. (2012). Aiming at the Wrong Target: The “Audience Targeting” Test for Personal Jurisdiction in Internet Defamation Cases. *Ohio State Law Journal*. 73 (3), 541-574.
 29. Mirmohammad Sadeghi, H. (2014). *Offences Against The Person*. 16th edition. Tehran: Mizan (In Persian).
 30. Oyez (n.d.). *Calder v. Jones*. last visited: 27/02/2024. Available at: <https://www.oyez.org/cases/1983/82-1401>.
 31. Rhodes, C. W. “Rocky” & Robertson, Cassandra Burke (2014). Toward a New Equilibrium in Personal Jurisdiction, *U.C. Davis Law Review* 48(1), 207-269.
 32. Safai, S. H. (2014). *Studies of Private International Law*. 3rd edition. Tehran: Mizan publishing (In Persian).
 33. Safaei Moafi, S. H.; Maghsoudi, R. & Daryaei, R. (2024). Conflict of Laws in Civil Liability Claims Caused by Defamation in the Laws of England, European Union and Iran. *Private Law*. 21 (1), 55-69. DOI: [10.22059/jolt.2024.365936.1007231](https://doi.org/10.22059/jolt.2024.365936.1007231) (In Persian).
 34. Safaei Moafi, S. H. , Maghsoudi Pashaki, R. and Daryaei, R. (2025). Presenting the Appropriate Connecting Factor for the Uniformization of Conflict of Laws Rules for Civil Liability Lawsuits Caused by Defamation by Looking at Rome 2 Regulations. *Journal of Comparative Law*, 11(1), 81-107. DOI: [10.22096/law.2024.2017081.2191](https://doi.org/10.22096/law.2024.2017081.2191) (In Persian).
 35. Safaei Moafi, S. H. , Maghsoudi, R. , & Daryaei, R. (2024). Proposing an Appropriate International Jurisdictional Rule for Preventing Libel Tourism: A Comparative Study of Iranian and English Law. *Journal of Comparative Law*, 8(4), 141-160. DOI: [10.22080/lps.2024.23887.1598](https://doi.org/10.22080/lps.2024.23887.1598) (In Persian).
 36. Safaei Moafi, S. H.; Maghsoudi, R. & Daryaei, R. (2023). Jurisdiction in tort claims for cross-border defamation in the laws of Iran, England and the European Union.

-
- Comparative Law Review*. 14 (2), 859-882. DOI: [10.22059/JCL.2023.356095.634475](https://doi.org/10.22059/JCL.2023.356095.634475) (In Persian).
37. Safaei Moafi, S. H. , Imanpour, A. and Daryaei, R. (2022). Criteria for claiming compensation for secondary psychiatric victims in English law and its application in Iranian law. *Comparative Law Review* 13(1), 257-278. doi: [10.22059/jcl.2022.334558.634278](https://doi.org/10.22059/jcl.2022.334558.634278) (In Persian).
 38. Shams, A. (2015). *Civil Procedure*. 34th edition. Tehran: Derak publishing (In Persian).
 39. Singleton, P. (2008). Personal Jurisdiction in the Ninth Circuit, *Hastings Law Journal* 59(4), 911-942.
 40. Spencer, A. B. (2006). Jurisdiction and the Internet: Returning to Traditional Principles to Analyze Network-Mediated Contacts. *University of Illinois Law Review*. 1, 71-126.
 41. Spencer, A. B. (2004). Terminating Calder: "Effects" Based Jurisdiction in the Ninth Circuit After Schwarzenegger v. Fred Martin Motor Co. *Whittier Law Review* 26, 197-223.
 42. Trammell, A. M. & Bambauer, D. E. (2015). Personal Jurisdiction and the "Interwebs", *Cornell Law Review* 100, 1129-1190.
 43. University System of Georgia (n.d.). Evaluating Internet resources. GALILEO last visited: 27/02/2024. Available at: https://www.usg.edu/galileo/skills/unit07/internet07_02.phtml.
 44. Yelmini, Gretchen (2023). Internet Jurisdiction and the 21st Century: Zippo, Calder, and the Metaverse, *Connecticut Law Review* 55(4), 1-28. https://digitalcommons.lib.uconn.edu/law_review/578
 45. Yost, Ellen Smith (2020). Tweet, Post, Share. . . Get Haled into Court? Calder Minimum Contacts Analysis in Social Media Defamation Cases, *SMU Law Review* 73(3), 693-724. <https://scholar.smu.edu/smulr/vol73/iss3/14/>
 46. Young, J. C. (2015). The Online-Contacts Gamble after *Walden v. Fiore*. *Lewis & Clark Law Review* 19(3), 753-766.